

چالش‌های تاریخ شفاهی ایثار و شهادت

محبوب شهبازی^۱

تاریخ‌نگاری شفاهی، فرایندی از تاریخ‌نگاری و تدوین تاریخ است که بر اساس روش مصاحبه حضوری و شفاهی صورت می‌گیرد و متن حاصل از آن، خاطرات مکتوب و یافته‌های ذهنی صرف گوینده نیست، طرحی از مصاحبه است که در آن مصاحبه‌کننده بر اساس شناختی اجمالی از موضوع و کلیت، به تدقیق جزئیات و کشف روایت‌ها و زوایای پنهان و گاه ضد روایت‌ها می‌پردازد تا فرضی کلی، در باب رویدادی، رد یا ابرام یا تصحیح و جرح و تعدیل شود.

این فرایند، مراحل چون سیاست‌گذاری کلی و تعیین اهداف، تعریف پروژه‌های تحقیق جزئی، مشخص کردن گروه‌های هدف مخاطبان، مشخص کردن گروه‌های مرجع و مصاحبه‌شوندگان، تعیین روند عملیاتی کردن تحقیق و انجام استخراج مصاحبه‌ها، تعریف پروتکل‌های مصاحبه و شیوه‌نامه‌های انتشار، تعیین مصاحبه‌گر و روش مصاحبه، روند فرآوری محصول نهایی و ویراستاری فنی و مقابله‌ای و شیوه‌ی انتشار و شکل حاملان انتشار را در بر می‌گیرد.

قید «ایثار و شهادت» در تاریخ شفاهی، مجموعه‌ی کوشش‌هایی را دربر می‌گیرد که در حوزه‌ی تاریخ شفاهی با محوریت ایثارگران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ایران در درون و برون ایران به زبان فارسی یا دیگر زبان‌ها انجام گرفته‌اند.

منظور از چالش‌ها نیز، آن دسته از عوامل یا فرایندها و اقداماتی است که وجود یا تداوم آن می‌تواند حیات و مسیر این مطالعات را منحرف و دستخوش اختلال، کندی حرکت یا حتی توقف نماید. پروژه‌های گوناگون و مراکز متعدد تاریخ‌نگاری شفاهی در حوزه ایثار و شهادت، هر چند سبب رونق تاریخ‌نگاری شفاهی و نشانه‌ی احساس نیاز به شناختن و شناساندن تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس هستند، اما نیم‌نگای به فهرست مراکز تاریخ شفاهی و مجموعه‌ی محصولات این مراکز، ضرورت بازشناسی مفهومی و روشی تاریخ شفاهی و آسیب‌شناسی روند حاکم بر فرآورده‌های آن را تصدیق می‌کند.

از دید پژوهشگر علاقه‌مند به حوزه‌ی مطالعات ایرانی، به‌ویژه حوزه‌ی تاریخ تحولات سیاسی ایران معاصر و تاریخ اندیشه‌ی دینی و سیاسی، که بیشتر با محصولات و فرآورده‌های تاریخ شفاهی درگیر بوده و گاه از آنها به فراخور موضوع بهره برده است، و از نگاه متولی بخشی از پروژه تاریخ شفاهی ایثار و شهادت، کاستی‌هایی در فرآورده نهایی این جریان جدیدالتأسیس مشاهده می‌شود و چالش‌هایی پیش روی شفاهی‌کاران و مجریان پدید آورده که توجه و تأمل در آنها شاید بتواند به سامان دادن سیاست‌ها و برنامه‌های پژوهشی این حوزه یاری برساند. شاید بتوان در جمع‌بندی کلی، چالش‌های تاریخ‌نگاری ایثار و شهادت را می‌توان در دو بخش دسته‌بندی کرد:

۱- چالش‌های نظری، ۲- چالش‌های اجرایی

۱- چالش‌های نظری

اگر چه تاریخ شفاهی، دارای تعریف مشخص و چارچوب مدونی است و اساس کار آن بر روایاتی است که از طریق اشخاص

^۱ - رئیس مرکز اسناد ایثارگران کشور، دانشجوی دکترای رشته روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی

حاضر در حادثه نقل می شود، هنوز بین نخبگان این حوزه مطالعاتی، چالش‌های مفهومی بسیاری در جریان است. وقتی که قید «ایثار و شهادت» هم به این عبارت مورد مناقشه اضافه می‌شود، با چالش‌های جدی‌تری هم مواجه می‌شود. بنای ما در این مقاله پرداختن به مسائلی است که صرفاً با افزودن این قید پیش‌آمد می‌کند، بدین ترتیب تبیین موضوع و اهداف تاریخ شفاهی ایثار و شهادت اولین چالش جدی پیش روی ما است.

موضوع و هدف تاریخ شفاهی ایثار و شهادت چیست؟ پاسخ به این سؤال چشم‌انداز و افق بنیاد در این مأموریت را ترسیم خواهد کرد. در واقع همایش اخیر تاریخ شفاهی ایثار و شهادت هم تلاشی است برای مواجهه با این چالش، چرا که براین باوریم که این پرسش با گفتگو و تأمل در این بحث و با خرد جمعی حاصل می‌شود.

در هر صورت نبود درک صحیح یا برداشت متنوع از موضوع واحد، نشان از نیازی است پژوهشی که باید توسط پژوهشگران، مبانی و ریشه‌ها و همچنین اطوار و ادوار موضوع تاریخ شفاهی ایثار و شهادت تحلیل و به روشنی تبیین گردد و با انجام مطالعات و تحقیقات دقیق‌تر مرزهای موضوعی و مصداقی آن تعیین گردد تا با دیگر گونه‌های مشابه (تاریخ، خاطره، یاد و حافظه) تمیز داده شود.

همچنین ضروری است اسلوب‌های مدون روش‌شناختی (گردآوری، پردازش داده، مستندسازی) و الگوی کلی کار برای مصاحبه‌های تاریخ شفاهی ایثار و شهادت متناسب با مبانی و ویژگی‌های آن تهیه و ارائه شود.

در بعد نظری، چالش بعدی مربوط به رویکرد ما به مقوله‌ی ایثار و شهادت است. آیا دوران ایثار و شهادت به سر آمده است؟ نگاه ما به موضوع ایثار و شهادت چگونه است؟ آیا در باغ شهادت همچنان باز است؟ آیا بنا بر احیاء و یادآوری و تجدید خاطرات دوران دفاع مقدس است یا باید به فکر ساخت کلینیک‌هایی برای دوری و فراموشی آن لحظات باشیم؟ آیا جنگ را یک قطع زمانی می‌دانیم که روزی آغاز و روزی پایان یافت یا پدیده‌ای سیال و پویاست؟ آیا بعد از جنگ ایثار به حاشیه می‌رود تا جنگ دیگر؟ اساساً بعد از جنگ می‌خواهیم با موضوع ایثار و شهادت چه کنیم؟ در دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس پدیده‌ای به نام فرهنگ ایثار و شهادت که ریشه در تاریخ اسلام و مذهب ما داشت، ظهور کرد؛ اگر امروز با این فرهنگ مانوس نیستیم یا کم‌رنگ شده، باید ریشه‌یابی کرد، همان‌گونه که باید دلایل وجود روحیه بسیجی و ایثار در آن دوران را جستجو و کاوش کرد.

به نظر می‌رسد، ایثار مفهومی است عام که نباید در قید زمان و مکان حصرش کرد! تعریف موسع و عام از ایثار که اوج و قله‌ی آن شهادت است، گستره‌ی تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی را در بر می‌گیرد و اختصاصی به جغرافیای خاص ندارد و در مرزهای ایران و دایره ایرانیان محصور نمی‌شود.

رویکرد و نگاه ما به جنگ و مسئله ایثار، پویا و فرایندی است. جنگ پدیده‌ای اجتماعی است که از قبل جریان داشته، در یک برهه اتفاق افتاده و بعد از آن هم جریان دارد. نباید رویکرد منجمد و صامت به مسئله داشت. تمام جنگ‌ها با تحولات اجتماعی آمیخته است. جنگ‌ها در موسیقی، هنر، مکاتب فکری و تمام عرصه‌ها تأثیر گذارند.

چالش سوم در بُعد نظری به رویکرد احساسی و عاطفی به موضوع ایثار و شهادت مربوط است.

آیا رویکردی شخصی، احساسی و عاطفی به مسئله داریم یا بنای پرداخت علمی و موشکافانه؟ در این که در صحنه جنگ عواطف بلند انسانی ظهور و بروز داشته شکی نیست؛ اما در پرداخت تاریخی به موضوع باید مراقب بود که احساسات مانع بیان واقعیات تاریخی نگردد.

حب و بغض‌ها در پاره‌های موارد، سبب تحریف در واقعیت می‌گردند. برای مثال، در روایت‌های دفاع مقدس، گاه مشاهده می‌شود که راوی با موضوعات مربوط به جنگ، برخوردهای احساسی دارد و به جای بیان واقعیت‌ها، به بزرگ‌نمایی یک پیروزی می‌پردازد یا در مورد یک عملیات شکست خورده، سکوت پیشه می‌کند. بعضی از راویان تمایل دارند در مورد توانایی‌های یک شهید، اغراق کنند و در واقع در مورد وی، به اسطوره‌سازی روی می‌آورند. تاریخ ایثار و شهادت نباید با غلو و اغراق به افسانه و اسطوره تبدیل شود. اسطوره‌های دست‌نیافتنی اصولاً باور نمی‌شوند، چه برسد به اینکه تبعیت شوند. ارزش‌ها اگر بخواهند پیروی شوند، ابتدا باید باورپذیر باشند. در حوزه‌ی تاریخ شفاهی دفاع مقدس، ما نیاز به تاریخی واقع‌گرایانه داریم، نه تاریخ داستان گونه و احساسی.

نباید اجازه دهیم احساسات، بخشی از حقیقت را مکتوم و بخشی را برجسته‌تر از واقعیت جلوه دهد. تعصب‌ها، حجاب واقعیت‌های تاریخی‌اند. ورود مطالب این‌چنینی، به گنجینه‌های اصیل تاریخ شفاهی ایثار و شهادت آسیب می‌زند و سبب می‌شود تاریخ، دست‌خوش یک‌سونگری و یک‌جانبه‌گری شود.

۲- چالش‌های اجرایی

چالش‌های اجرایی را می‌توان در سه گروه تقسیم‌بندی کرد. چالش‌های مربوط به سیاست‌گذاری، چالش‌ها در حوزه کاربرد و چالش‌های مرتبط با اجرای پروژه‌های تاریخ شفاهی ایثار و شهادت

الف - چالش‌های مربوط به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری

در بعد سیاست‌گذاری، دولتی کردن پروژه‌های تاریخ شفاهی - که ذاتشان مردمی است - جدی‌ترین چالش پیش روست. تاریخ دفاع مقدس به شدت دولت زده است. دولتی کردن پدیده و جریان مردمی، روند تاریخ‌نگاری را سیاست‌زده می‌کند و به دنبال سیاست می‌کشاند. این در حالی است که جنگ را در طول هشت سال مردم با رهبری بی‌بدیل امام (ره)^۲ که همیشه تأکید مؤکد روی مردمی بودن و مردمی کردن دفاع مقدس داشتند، اداره کردند.

سرنوشت انقلاب و جنگ را مردم رقم زدند، باید اجازه داد تاریخ انقلاب و جنگشان را هم خودشان بنویسند. موازی‌کاری و دوباره‌کاری نهادها و مراکز و عدم انسجام و هم‌پوشانی طرح‌های تاریخ شفاهی ایثار و شهادت از دیگر چالش‌های مطرح در این حوزه است. با وجود رونق خاصی که در سالهای اخیر در عرصه‌ی تاریخ شفاهی به وجود آمده و تجربه‌های ارزشمند و مفید سازوکاری پیش‌بینی نشده که صاحب‌نظران و مراکز متولی، تجربه‌هایشان را با هم در میان بگذارند و برای حفظ آنها برنامه‌ریزی کنند. در حدود بیست‌وپنج سازمان، در حوزه‌ی دفاع مقدس، به علت فقدان

^۲ - اگر شما می‌توانستید تاریخ را مستند به صدا و فیلم حاوی مطالب گوناگون انقلاب، از زبان توده‌های مردم رنج دیده کنید کاری خوب و شایسته در تاریخ ایران نموده‌اید. باید پایه‌های تاریخ انقلاب اسلامی چون خود انقلاب به دوش پابرهنگان مغضوب قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها باشد. (درخصوص مأموریت تدوین تاریخ انقلاب اسلامی خطاب به سیدحمید زیارتی (روحانی)، ۱۳۶۷/۱۰/۲۵، جماران)

سیاست‌های جامع و مدون، در حال انجام پروژه‌های موازی یا دوباره‌کاری پروژه‌های انجام گرفته به دست دیگران هستند.

این رویه علاوه بر این که دستاورد جدیدی در حوزه‌ی دفاع مقدس ندارد، سبب اتلاف منابع مادی و معنوی نیز می‌گردد.

چالش دیگر قابل طرح در حوزه سیاست‌گذاری مربوط به نبود دیدگاه چالشی، تطبیقی و انتقادی در تاریخ‌نگاری شفاهی ایثار و شهادت است. در مباحث نظری اشاره شد که ایثار مفهومی عام و جهان شمول است و در ظرف مکان و زمان خاص نمی‌گنجد. حال به نظر می‌رسد روایت ملی از پدیده‌ای فرا ملی و چند وجهی، هر چند در ساخت هویت ملی و مشروعیت سیاسی کارآمد است، اما تصویر ناکارآمدی از پدیده‌ای مانند ایثار، دفاع مقدس و انقلاب اسلامی به دست می‌دهد. تلاش برای دستیابی به روایت‌های متقابل یا به تعبیر مصطلح ضد روایت‌ها، از پدیده‌ای واحد می‌تواند به تکمیل پروژه‌ی تاریخ شفاهی کمک کند.

در برابر ایثارگران و شهیدان باید وجود طبقات و اصنافی از سودجویان زمان دفاع مقدس و فراریان از جنگ را در همان دوره بررسی کرد یا در مقابل روایت انقلاب به ضد روایت انقلاب و روایت ضد انقلاب برای فهم بهتر پدیده‌ها بها داد. بدون این بررسی نیمی از تصویر اجتماعی دفاع مقدس و انقلاب اسلامی ناقص است.

مسئله‌ی حائز اهمیت دیگر در حوزه سیاست‌گذاری این است که مراکز داخلی تاریخ شفاهی، با مراکز خارج از کشور ارتباط مفید و مستمری ندارند و این ضعف، مانع از بهره‌برداری از تجربیات سازنده و جدیدی است که در مراکز برون‌مرزی شکل گرفته است. در مورد تاریخ شفاهی جنگ، در مراکز تاریخ شفاهی در غرب، واکاوی‌های قدرتمندی صورت گرفته و آثاری گردآوری شده که از خاطرات سربازان و خانواده‌هایشان تا یونیفرم نظامی نیروهای درگیر در جنگ را با دقت و جامعیت تمام پوشش می‌دهد. تمام اینها، می‌تواند برای متولیان این کار، در داخل کشور، به صورت الگویی کاربردی استفاده شود. البته این به معنای غفلت از ظرفیت‌های ملی و بومی نیست.

ب - چالش‌های مطرح در حوزه کاربرد

چالش بعدی در حوزه اجرایی، آسیب کاربردی است. شاید بتوان گفت از مهم‌ترین آسیب‌های کاربردی تاریخ شفاهی، نبود بانک اسناد و مخزن جامع تاریخ شفاهی ایثار و شهادت است. حداقل فهرست جامعی از پروژه‌ها و مصاحبه‌های موجود در مراکز گوناگون و مرحله‌ی پیشرفت پروژه‌ها هم در دسترس نیست. نبود مرکز یا آرشیوی تخصصی در این زمینه، سبب شده مراکز متعدد تاریخ‌پژوهی چه خصوصی و چه دولتی، هر کدام بنا به سلیقه خود به سراغ آن بروند و کاربرد و سرنوشت مصاحبه‌ها مشخص نباشد.

به نظر می‌رسد مراکز آرشیوی به موازات ثبت و ضبط و تدوین، بایستی بانک اطلاعات جامع و یکپارچه‌ای از مصاحبه‌های انجام شده تدارک ببینند که با استفاده از فناوری روز به صورت آنلاین قابلیت ارائه به اشکال مختلف داشته باشند و همچنین در زمان تهیه آرشیو باید به مسائل مربوط به جمع‌آوری و طبقه‌بندی مجموعه مصاحبه‌ها توجه شود و نوارهای صوتی و ویدئویی و مکتوبات، دارای آدرس‌ها و اطلاعات کافی و هر مصاحبه دارای بیوگرافی مصاحبه‌شونده و ارتباط وی با موضوع و اطلاعاتی در مورد زمان و مکان مصاحبه باشد.

نبود دیدگاه سندمحور و ضعف مستندسازی در آرشیو منابع گردآوری شده ممکن است نسل‌های بعدی را با بحران باورپذیری اسناد صوتی و شفاهی مواجه کند. باید ارتباط معنادار و فرایندمحوری بین مستندسازی شواهد شفاهی با آرشیو منابع شفاهی ایجاد کرد تا چرخه‌ی تولید منابع شفاهی به چرخه‌ی مصرف متصل گردد. لازم است به چالش‌های مربوط به اشاعه هم در جای خود پرداخته شود.

ج - چالش‌های اجرایی صرف

درخصوص چالش‌های اجرایی صرف، به دلیل طولانی شدن مطلب به سرخطها اشاره خواهم کرد تا در فرصتی دیگر اگر مجال بود به صورت مستقل به آن پرداخت شود. اجمالاً باید گفت عینیت، دقت، جامعیت، نظارت و واقعی بودن از معیارهای برجسته‌ی ارزشمند بودن مصاحبه در تاریخ شفاهی است که در غالب موارد توسط عواملی چون کتمان، فراموشی، تحریف و ناقص‌گویی، بی‌حوصلگی و کهنسالی و احساس نبود اعتماد و امنیت کافی برای مصاحبه‌شونده، تهدید می‌شود.

تدوین تاریخ شفاهی به‌ویژه در حوزه ایثار و شهادت، کاری تخصصی است که نیاز به تربیت متخصصان تاریخ شفاهی از میان دانشجویان رشته‌های مختلف تاریخ معاصر، علوم سیاسی، علوم اجتماعی و ارتباطات دارد. مصاحبه روش کیفی است که به روش‌شناسی پیچیده و احاطه به وجوه مختلف طراحی، اجرا و پیاده کردن مصاحبه و مستند کردن و تدوین آن نیاز دارد. کمبود نیروی انسانی حرفه‌ای و شفاهی‌کاران متخصص در حوزه ایثار و شهادت چالش جدی است. تحریفات آشکار و پنهان در کمین تاریخ شفاهی ایثار و شهادت است. ناقص‌گویی و بیان بخشی از یک حادثه که تصویری غیر واقعی ارائه می‌کند، گریبانگیر این حوزه نیز شده است.

بنابراین، باید فکری جدی برای تحریف‌زدایی از تاریخ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نمود.

کتمان برخی از رویدادهای دفاع مقدس بنا به مصالح امنیتی، ارزشی و گاه تعمدی نیز از جمله چالش‌های اجرایی است. در مقابل گروه اولی که گذرش به صورت اتفاقی به جبهه افتاده و هنوز قلم‌فرسایی او ادامه دارد، برخی از شهدا و رزمندگان حاضر در میدان‌های نبرد به دلایل ارزشی و اخلاقی از ذکر برخی موارد اجتناب می‌کردند و می‌کنند. شنیده شده شهید عاصمی‌پور هیچ وقت اجازه نداد عکسی از ایشان در میدان‌های نبرد منتشر شود. هنوز هم بسیاری از رزمندگان، جانبازان و آزادگان معزز در حین مصاحبه آنجا که به ذکر نقش اثربخش آنان در تعیین سرنوشت رویدادی می‌رسند، با یک کلمه‌ی «بگذریم» قصد کتمان و عبور از موضوع به دلیل ملاحظات اخلاقی و ارزشی دارند.

کهنسالی و کمرنگ شدن حافظه در مورد وقایع انقلاب اسلامی و دفاع مقدس نزد شاهدان، در کنار فقر دیدگاه تطبیقی و انتقادی و احاطه نداشتن مصاحبه‌کننده به جزئیات آن رویداد محصول نهایه‌ی را گاهی با تناقضاتی روبه‌رو می‌کند و این مهم در نبود نظام نظارت متقابل بر پروژه‌ها و مصاحبه‌ها نمایان‌تر می‌شود.

اعتمادسازی با مصاحبه‌شونده در نبود تضمین‌های حقوقی و امنیتی مسئله دیگری است که تحت شمول چالش‌های اجرایی قابل بحث است. در انجام یک مصاحبه تاریخ شفاهی، پس از انتخاب مصاحبه‌شونده، باید نسبت به جلب همکاری و اعتماد وی جهت مصاحبه، اقداماتی به عمل آید با توجه به اینکه مصاحبه تاریخ شفاهی، مصاحبه‌هایی عمیق بوده و به زندگی خصوصی افراد مربوط است و ملاحظات اخلاقی فراوانی در مقابل محقق یا محققان قرار می‌گیرد.

منبع

- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، جلد ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۲۳۹.